

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۱۸ نومبر ۲۰۲۲

اردو کشی ناتو به ضد ایران در برلین

در شهر برلین در تاریخ ۲۲ اکتوبر ۲۰۲۲ یک اردو کشی ارتجاعی از جانب ناتو و اسرائیل بر ضد منافع ملی ایران برگزار شد. از ملبورن استرالیا تا تورنتو کانادا نیرو و سیاهی لشکر برای این کارناوال تهیه کرده بودند. این اردو کشی ناتو در حقیقت نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مخالفان جمهوری سرمایه داری اسلامی در خارج از کشور است. این رزمایش ناتو در برلین خط تمایزی میان ایرانیانی کشید که برای ایرانی مستقل، دموکراتیک، متحد، متمدن و پاینده مبارزه می کنند و کسانی که خواهان نابودی ایران در همدستی با تجزیه طلبان، صهیونیسم جهانی و امپریالیسم هستند و برای نیل به این هدف شوم، جنایات جمهوری اسلامی را در این ۴۳ سال دستاویز خیانت خود کرده نقاب «خیرخواهی، اصلاح طلبی، عدالت خواهی و بشردوستی» به چهره زده اند.

این تظاهرات جهانی و سراسری بود. دول تجاوزگر و جنگ طلب جهان، روسای ممالک ناتو و غرب به نحو بی سابقه ای در تاریخ جهان، تمام تسهیلات لازم برای برگزاری موفقیت آمیز این گردهمایی را فراهم کرده بودند. آنها از صرف هیچ هزینه ای برای برگزاری این همایش دریغ نکردند. شاید بتوان گفت چنین سازماندهی، تدارک، تجهیز، تبلیغات، ریاکاری در تاریخ جنگ ترکیبی در جهان بی نظیر بوده است.

دستگاه عظیم تبلیغاتی و شستشوی مغزی انحصاری صهیونیستی و وهابیتی بر تمام ریشه های اندام شرکت کنندگان نظارت کامل داشت. تمام سخنگویان، نمایندگان رسمی، خبرگزاری های جهان که زنده گزارش می دادند دست چین شده بودند. حتی ماموران انتظامات بر اساس اطلاعات سرّی قبلی می دانستند که سیل جمعیت را چگونه تقسیم کنند تا تصاویر هوایی از شرکت کنندگان شکل هواپیمای سرنگون شده اوکرائینی را به خود بگیرد. این همه مهندسی نمی تواند کار «رهبری» به نام آقای حامد اسماعیلیون باشد که خانواده اش در جریان سقوط هواپیما کشته شده اند، بلکه کار کسانی است که ایشان را جلو انداخته، باد کرده و عروسی کرده اند تا به نیت شوم خود دست پیدا کنند.

سخنرانی ها حساب شده و با تأیید دست های تجاوزکارانه پشت پرده به ضرر منافع ملی میهن ما بود. به جز سخنان آقای حامد اسماعیلیون که خواست های شرکت کنندگان و پیمان تجاوزکارانه ناتو را در این گردهمایی بیان می کرد، نماینده دو اقلیت ملی کردها در غرب که خواهان تجاوز جرج بوش پسر به ایران بودند و بلوچ ها در شرق که هم اکنون مسلح شده و در زیر رهبری گروه تروریستی اسلام گرای «جیش العدل» برای تجزیه میهن ما و سوریه ای کردن ایران مشغولند به صدا درآمدند. آنوقت نوبت رهبران کبیر مبارزات «آزادی بخش» زنان ایران رسید که نماینده آنان در فضیلت همجنس گرایی و آزادی جنسی بند را بر آب دادند و حضار «انقلابی» برایشان با همه کف زدند و ابراز احساسات

نمودند. عده‌ای که عنان اختیار را از دست داده و با شعار «ما آریائی هستیم عرب نمی‌پرستیم» به میدان آمده بودند که با اشاره فرستنده سعودی اینترنشنال که خطر قطع دستمزدش از عرب‌های عربستان سعودی می‌رفت به سر عقل آمدند و کنار کشیدند و با یک پوزش رسمی، ماهیت نژادپرستانه این اقدامات همه با همی ماستمالی شد.

ترکیب این تظاهرات جالب بود. ارکان اصلی آن را یاران و اپوزیسیون گوناگون، از جمله طرفداران رژیم منفور پهلوی، گردهای تجزیه‌طلب منطقه (ایران، عراق، سوریه و ترکیه) - و نه تنها ایرانی - با پرچم کردستان بزرگ که به ایران ربطی ندارد، فرقه تروریست و آشوبگر رجوی تشکیل می‌دادند. توافق میان فرقه رجوی، شاه‌اللهی‌ها با پادرمیانی حامیان پشت پرده این بود که هر دو طرف از آوردن تصاویر مسعود و مریم و یا رضا پهلوی خودداری کنند و در عوض بر سر پرچم شیرخورشید که ظاهراً نماد معرفی هر دو طرف است توافق کنند. در حالی که فرقه رجوی از ترس واکنش مردم از آوردن تصاویر رهبران بدنام خود خودداری کرده بود، یاران رضا پهلوی با تصاویر وی ظاهر شدند و تلویزیون سعودی اینترنشنال نیز این تصاویر را بر سر آنتن‌ها فرستاد و مدال را به سینه رضا پهلوی زد. در کنار این ستون‌های اصلی تظاهرات ناتو در برلین، ملقمه‌ای از تجزیه‌طلبان آذری با پرچم آذربایجان جنوبی که برای آزادی تنها زندانیان سیاسی متعلق به گرگ‌های خاکستری و نه همه زندانیان سیاسی ایران فعال بودند در کنار عرب‌ها، بلوچ‌ها و... حضور داشتند که بیش از ۱۶ پرچم رنگارنگ تجزیه‌طلبی را همراه داشتند. ارتش آزاد سوریه که همدست فرقه رجوی در سوریه بود و همراه داعش با حکومت بشار اسد می‌جنگید نیز خودنمایی می‌کرد و به جنگ جمهوری اسلامی برای سوریه‌ای کردن ایران آمده بود. تعداد فراوانی المانی از حزب انگلوامریکایی و جنگ طلب سبزا و غیرالمانی حضور داشتند. لشکر اوکرائینی‌ها، هواداران اسرائیل و آمریکا با پرچم‌های مستقل خود در این راهپیمایی جولان می‌دادند و از مضمون و سیاست این کارناوال سیاسی از صمیم قلب حمایت می‌کردند. پرچم‌های شیر و خورشید و پرچم آبی و زرد رنگ اوکراین زلنسکی توسط یک بالن با سازماندهی قبلی به آسمان فرستاده شد و پیمان ناتو فیل خود را هوا کرد تا همبستگی «مردم ایران با مردم اوکراین» را به نمایش بگذارد. پرچم‌های شیر و خورشید و کردستان بزرگ برای ایجاد اسرائیل دوم در منطقه موج می‌زد. یک اتحاد همه جانبه زیر شعار همه با هم و بدون دورنما بر ضد رژیم جمهوری اسلامی به وجود آمده بود. افراد که کردهای کوبانی همدست آمریکا در اشغال سوریه را به دنبال خود آورده بودند با شعار بی‌معنای «زن، زندگی، آزادی» که به ماهیت سیاسی آن خواهیم پرداخت، به میدان آمده بودند. آنها به زبان کُردی و تنها در جمع خود این شعار را تکرار کرده و با تدارک قبلی آن را به یکی از شعارهای اردوکنشی ناتو بدل کرده بودند تا تمام کردها را با این شعار از سوریه اشغالی تا ایران در صف واحدی گرد آورند و روان اجتماعی در ایران را مصادره نمایند. شعاری که باید طوطی‌وار تکرار شده و گویا باید نماد آزادی زن باشد. تعداد شرکت کنندگان سازمان داده شده سراسری این نمایش با هزینه گزاف بیش از صد میلیون یورویی که از جیب دولت‌ها و سازمان‌های امنیتی در پوشش گروهک‌های فرهنگی، حقوق بشری، سازمان‌های مدنی، همجنس‌گرایان، پاره‌ای گروه‌های بی‌هویت سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی، هنرمندان، سلبریتی‌ها و... و یا راساً توسط وزارت امور خارجه المان صرف شده بود در اخبار نخست به چند ده هزار نفر، بعداً به ۵۰ هزار و سپس به هشتاد هزار و اکنون در این مسابقه رقابتی عددی به ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر رسیده است. «خدا عاقبتش را به خیر کند».

مضحک‌تر از همه وضع کسانی بود که با تعداد قلیلی از سراسر کره ارض به حمایت از این اردوکنشی ناتو آمده بودند و خودشان را «چپ» می‌نامیدند. آنها برای تحمیل دنباله‌روان خود، از «صف مستقل» خود در میان خیل هواداران تروریست و محجبه فرقه رجوی، سلطنت‌طلبان لخت و عور، تجزیه‌طلبان هفت رنگ، دم می‌زدند و بدون کوچکترین تاثیر سیاسی و تبلیغاتی به نقش مهم سیاهی لشکر و رل نعش خود در این نمایش ناتو افتخار می‌کنند. پرچم معیوب

اسرائیل را عده‌ای در صف نخست آنها حمل می‌کردند که بعد از مدتی پنهان شد. این جریان نقش کاتالیزاتور در شکل «جبهه سوم» با ناتو را داشته و دارد. آنها این نقش مخرب و مغالطه‌گرانه را در جنبش انقلابی بازی می‌کنند و به مبارزه مردم صدمه زده‌اند. آنها می‌خواهند مردم ساده‌دل و ضدرژیم را که با قلبی مملو از عشق به ایران خواهان سرنگونی رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی بدون دخالت اجنبی هستند و از سرکوب و نقض حقوق زنان متنفرد، در چارچوب سیاست عمومی ناتو به فعالیت وادارند. این اقدامات آنها مسبوق به سابقه است.

هر کمونیستی می‌داند که ماهیت تظاهراتی که در برلین برگزار شد نه از روی نیت خوب و بد شرکت‌کنندگان و یا آمال و آرزوهای قلبی و ضد رژیم جمهوری اسلامی، و یا رویاهای ذهنی، و تصورات رویایی آنها، بلکه از روی شعارهای معین و اساسی این حرکت، برگزارکنندگان واقعی آن، سخنرانی‌ها و خواست‌های سیاسی و تأثیر تبلیغاتی این حرکت در تعیین توازن سیاسی اوضاع جهانی تعیین می‌شود. کمونیست‌ها نمی‌توانند در تظاهرات نازی‌ها با «صف مستقل» خویش شرکت کنند که معنایی جز تقویت نازی‌ها ندارد. این «استقلال» فقط در ذهن بیمارگونه این جریان‌ها وجود دارد و نه در واقعیت عینی. این اقدام در عمل فقط وفاداری و تحقق سیاست همه با هم است که سیاست فرقه رجوی است و مدعی است در درجه نخست باید رژیم جمهوری اسلامی برود و باید بر سر سرنگونی وی به وحدت رسید حتی با داعش و نتانیاهو. سیاستی که می‌گوید ما خودمان هیچ چیز نیستیم، ما را به حساب نیاورید، ما پیش‌ری ارزش نداریم، مهم آن است که جمهوری اسلامی برچیده شود و مهم نیز نیست با کدام دست خون‌آلود، مهم آن است که آنها بروند و حتی اگر ایران نابود شود، این سیاست همان بی‌شرف‌هایی است که به ایران‌ستیزی مشغولند. ما برای نقش خودمان که دنباله‌رو جو و سیل هستیم ارزشی قابل نیستیم و به دنبال حوادث برای این که گریه شاخمان نزنند سر به زیر و با هوچی‌بازی راه می‌افتیم. این است منطق «صف مستقل».

خوب است که به سخنان آقای حامد اسماعیلیون که برگزیده گروه ۷ است توجه کنیم. سخنان ایشان ماهیت و سیاست این گردهم‌آیی را بیان می‌کند و نه شرکت افراد ناآگاه، زنان، جوانان، اشخاص مملو از احساسات، فریب‌خورده، خوش‌نیت و نظایر آن.

آقای اسماعیلیون که به یک باره به رهبر جنبش همه با هم برای نابودی ایران تبدیل شده است، رویاهایی دارد که فقط امیال دشمنان ایران است. وی تلاش دارد از نفرتی که مردم به جمهوری اسلامی دارند پوسته‌ای شیرین برای سم مهلکی بسازد که خوردن آن مرگ سریع را با خود همراه دارد که تحقق سیاست منطقه‌ای امپریالیسم است و نه آرزوی مردم ایران.

آقای حامد اسماعیلیون آرزوهای دشمنان ایران را که بارها بر زبان آوردند و در مذاکرات هسته‌ای به عنوان چماقی علیه حقوق مسلم و قانونی ایران به هوا برده بودند بر زبان می‌آورد که گویای آن است که وی را برای این نقش‌آفرینی آماده کرده‌اند. وی هوادار پایان دادن به سیاست خارجی کنونی جمهوری اسلامی در منطقه است، اتفاقاً سیاست‌هایی که به نفع منافع ملی ایران بوده و نقشی راهبردی در تامین استقلال ایران دارند. بدون حمایت ایران از جنبش فلسطین و لبنان، بدون مبارزه علیه صهیونیسم حکومت غاصب اسرائیل، بدون مبارزه بر ضد داعش در سوریه و عراق، بدون حمایت از مبارزه استقلال‌طلبانه مردم یمن معلوم نبود که سرنوشت امروز مردم کشور ما چه بود. اتفاقاً همین سیاست‌ها مانع از آن شده است که ایران را دشمنان میهنمان با خاک یکسان کنند و از آن ویرانه‌ای مانند لیبی، عراق، سوریه و افغانستان بسازند. جنگ‌طلبان، یاوران آقای اسماعیلیون هستند و ایشان اگر چشمان دشمنان ایران را برای دیدن به عاریه نمی‌گرفتند، می‌دانستند که تجاوزگر در لیبی، افغانستان و عراق ایران نبود، بلکه نام آن متجاوز امریکاست. این ایران نیست که سرزمین لبنان، اردن، فلسطین را اشغال کرده است، بلکه نامش اسرائیل است. پس چرا آقای

اسماعیلیون دروغ می‌گویند؟ دشمنان خونخوار ایران که دنیا را به خاک خون کشیده‌اند، هوادار نقض همه حقوق جهانی ایران در مراجع بین‌المللی هستند و بزرگترین تحریم‌های ضدبشری را که یک جنگ اقتصادی جنایتکارانه است بر ضد کشور ما اعمال می‌نمایند که صدها مهسا امینی محصول آن بوده‌اند ولی در رویای آقای اسماعیلیون این ایران است که طالب خونریزی و برهم زدن امنیت منطقه بوده و نه اسرائیل و نه آمریکا که از آن سر دنیا به منطقه آمده و سوریه، عراق، افغانستان را اشغال و ویران کرده است. آیا این ایران است که متجاوز است یا عربستان سعودی، ترکیه، ناتو و امپریالیسم غرب؟ رویای آقای اسماعیلیون آرزوهای به گور برده شده ارباب ایشان گروه ۷ است و نه مردم ایران. وقتی وی می‌طلبد: «از مذاکره با جمهوری اسلامی دست بردارید... سفرای جمهوری اسلامی را از کشورهای خود اخراج کنید... با نوکیسه‌های جمهوری اسلامی همان کاری را کنید که با نوکیسگان پوتین کردید. اموالشان را ضبط کنید و نگذارید خون مردم بی‌گناه ایران را بمکند.» باید به ایشان گفت این پیشنهاد شما تشدید تحریم‌های غیرقانونی و ضدبشری علیه ایران است و مردم ایران را هدف می‌گیرد. ایشان در واقع خواهان رفع تحریم‌ها علیه ایران نیست حتی خواهان افزایش تحریم‌ها در سطوح دیگر است. باید از ایشان پرسید که چرا از اربابشان آقای ترودو رئیس جمهور کانادا نمی‌خواهند تا اموال دزدی به نام آقای خاوری را که از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بوده و با سرقت اموال مردم در کانادا به عیاشی مشغول است مصادره نمی‌کند؟

آقای اسماعیلیون گذرنامه کانادائی دارد، به ایران نمی‌رود و برایش مهم نیست که در همه نمایندگانی رسمی ایران در ممالک ناتو بسته شوند، زیرا ایشان برای سرنوشت صدها هزار ایرانی که باید برای رفع مشکلاتی که دارند به این نمایندگی‌ها مراجعه کنند، ارزشی قابل نیست.

ایشان نام یک شورش کور، بدون دورنما، بدون برنامه، بدون مطالبات روشن را که نقطه قوتش در تبلیغات فضای مجازی در دست ناتو است، عوام‌فریبانه انقلاب می‌گذارد که فقط نشانه عمق بی‌سوادی ایشان نیست، بلکه دستکاری امپریالیستی و تبلیغاتی برای معیوب کردن مقولات علمی بوده و ارزش دادن به یک حرکت زنانه‌ی محدود، کور، عصیانگر، مخملی برای نیات شوم بعدی است. در رویای آقای اسماعیلیون فروش اسلحه ایران به روسیه و یا هر کشور مخالف گروه ۷ کشتار مردم است، ولی فروش و ارسال میلیاردها دلار تسلیحات نظامی از جانب غول‌های ناتو به اوکراین برای کشتار مردم روسیه و اوکراین عین دفاع از صلح و حقوق بشر به حساب می‌آید. یک انسان تا چه حد می‌تواند با تجاهل به دشمنان بشریت خدمت کند و شب را روز بنماید. این برگزارکننده تظاهرات ناتو که هدفش از آن تنها برای مشروعیت بخشیدن و توجیه‌آفرینی برای تجاوز «بشردوستانه» ناتو به ایران است، رویاهایی را بیان کرد که قبلاً اوباما، ترامپ و جو بایدن در نظریات خویش در برخورد خود در انتقاد به سند برجام بر زبان آورده بودند و سخنان نوثی نیست. وی خواست امپریالیسم آمریکا را به عنوان رویای خود رنگ‌آمیزی و آرایش می‌کرد و می‌خواهد به عنوان کالای نو به فروش برساند.

در رویای ایشان نفت ایران، که دیگر با سرنگونی رژیم منفور پهلوی در انقلاب ۱۳۵۷ به رایگان به حلقوم اربابانش نمی‌رود و توانسته تحریم‌ها را دور بزند و به فروش برسد، برای ناتو که کمبود سوخت دارد، طبیعتاً یک مصیبت است، ولی برای مردم ایران یک نعمت و این را اربابان آقای اسماعیلیون بر نمی‌تابند و آن را در سخنرانی آقای اسماعیلیون به یک مسئله مرکزی بدل کرده‌اند. ببینید وی رویا و خواست‌های گروه ۷ برای آماده کردن تجاوز به ایران را چگونه بیان می‌کند: «همه ما رویایی داریم و این رویا فقط با سقوط جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد. این رویا با سرنگونی امپراتوری ترس و جنایت علی خامنه‌ای تعبیر می‌شود.» و برای رد گم کردن که در خطاب به ناتو آرزو و رویایش را به صراحت بیان کرده و دست به دامن دشمنان ایران شده است، برای فریب مردم اضافه می‌کند: «کسی از شما

نخواست وارد جنگ شوید یا مردم ایران را تحریم کنید. درخواست ما تحریم هدفمند مقام‌های جمهوری اسلامی است. درخواست ما تحریم و اخراج عوامل خون‌شویی و لابی‌گران برای جمهوری اسلامی است.» ببینید وی مودبانه از لزوم جنگ برای سرنوشتی و سقوط رژیم و تحریم هدفمند صحبت می‌کند تا بتواند بار خیانت ملی را که بردوش سنگینی می‌کند، سبک کند. وی در عمل سرنوشتی هدفمند رژیم جمهوری اسلامی را به دست ناتو آرزو دارد، ولی در حرافی خواهان «جنگ» نیست، وی خواهان تحریم نیست خواهان تحریم هدفمند است؟! یعنی تحریم ۴۳ ساله‌ای که بر ضد مردم ایران وجود دارد کافی نیست و باید به طور هدفمند تشدید شود. تزویر از سرپای این قطعنامه پایانی گردهمایی ناتو می‌بارد. در خواست ایشان آن است که ناتو برای تشدید تحریم‌ها، برای قطع فروش اسلحه ایران به روسیه، برای تغییر سیاست خارجی رژیم ایران که باید در خدمت صهیونیسم اسرائیل باشد به ایران حمله کند. ناتو باید جمهوری اسلامی را ساقط کند بدون این که «جنگ» شود، از دماغ یک ایرانی خون جاری شود، و یا حتی یک ایرانی تحریم گردد و یا خانه و کاشانه‌اش ویران گردد. وی موافق «انقلاب زنانه مخملی» است و تهاول می‌کند که غرب به رهبری ناتو ۴۳ سال است که با ایران در حال جنگ و تحریم است. مگر محاصره ایران برای کشتن مردم ایران، برای از پای درآوردن این کشور نامش جنگ نیست؟ تف بر این ریاکاری و عوام‌فریبی.

در این نمایش سازمان یافته ناتو تصاویر خامنه‌ای، پوتین و شی جین پینگ حمل می‌شدند که بر روی آنها به عنوان متحد و ملعون ضربدری زده بودند. پرسش این است که توهین به پوتین و شی جین پینگ و یا فیل هوا کردن اوکراین چه ربطی به قتل خانم مهسا امینی دارد؟ مسئله روشن است ناتو با شکست در شرق و زوال دنیای تک‌قطبی با افسارگسیختگی و هاری وصف ناپذیر به ایران که نقش کلیدی در این گردش به عهده گرفته است هجوم می‌آورد. آنها از خواسته‌های محق زنان ایران و خانواده شهدا سوء استفاده می‌کنند تا تمام ایران را عزادار کنند. آنها دلشان برای مهسا امینی و نقض حقوق بشر نمی‌سوزد از گردش ایران به سمت شرق و خنثی شدن تسلیحاتشان در اوکراین و شکسته شدن محاصره اقتصادی روسیه می‌سوزد. این هجوم همه جانبه که با تعامل اصلاح‌طلبان برکنار شده از حکومت انجام شده و بسیاری از روشنفکران جاهل و یا خودفروخته ایرانی را چه در داخل و چه در خارج ایران در خود غرق کرده است، کار را به آنجا رسانده‌اند که آنها چون دریوزگان دست به دامن دولت المان، امریکا و اتحادیه اروپا می‌شوند تا ایران را نابود کنند. آنها برای تحریم و تجاوز و نقض حقوق قانونی ایران امضاء جمع می‌کنند و این بی‌غیرتی سیاسی و فرومایگی خود را به عنوان حمایت از مهسا امینی جا می‌زنند.

ماهیت اردوگشی ناتو در برلین ارتجاعی، امپریالیستی، برضد منافع ایران و خلق‌های منطقه است. هر جریانی که در این گردهمایی رقاصی کرده است از خط قرمزی گذشته که حداقل عمق کوتهنظری، کوربینی، تفکر داعشی و قصاصی خویش را نمایش داده است. در اینجا «صف مستقل» وجود ندارد همان‌گونه که در گذشته نیز «خط سومی» در صورت تجاوز امریکا به ایران وجود نداشت. در اینجا دو جبهه است یا می‌خواهیم مشکلات داخلی ایران را با دست مردم ایران، در درون ایران، با مبارزه با جهان تک‌قطبی، حمایت از خلق‌های منطقه، تکیه بر منافع ملی و مبارزه در جهت برپایی ایرانی که مبین منافع زحمتکشان و اکثریت مردم ایران باشد حل کنیم و یا چون دریوزگان سیاسی از تجاوز و تحریم ایران حمایت می‌کنیم و خودمان را در پشت پرده فریبنده «حقوق بشر»، و اخیراً «زن، زندگی، آزادی» پنهان کرده برای ناتو شپیور جنگ می‌زنیم و به تروریسم، خرابکاری و جنگ داخلی برای تجزیه ایران و تبدیل ایران به سوریه یاری می‌رسانیم. راه دیگری وجود ندارد.

مقاله ای از توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۲۷۳ / <https://telegram.me/totoufa> / www.toufan.org